

## به نام خدا

نقطه : ( ۰ )

۱- در پایان همه ی جمله ها به جز جمله های پرسشی و تعجبی :

مثال : هوا ابری است . شاید درک این مسئله دشوار باشد.

۲- پس از هر حرفی که به صورت نشانه ی اختصار به کار رفته باشد :

مثال : ابن سینا متولد سال ۴۲۸ هـ . ش .

ویرگول : ( ، )

۱- میان عبارت ها یا جمله های غیر مستقل که در مجموع جمله ی کاملی را تشکیل می دهند.

مثال : او با تلاش بسیار ، به مقصود رسید.

۲- پس از منادا : مثال : خدایا ، مرا عفو کن.

۳- هر جا کلمه یا عبارتی به عنوان توضیح ، در ضمن جمله یا عبارتی دیگر آورده شود.

مثال : سهراب سپهری ، شاعر معاصر ، به نقاشی علاقه ی فراوانی داشت.

۴- بین چند کلمه که اسناد واحدی باشد:

مثال : فردوسی ، مولوی ، سعدی و حافظ از بزرگان شعر فارسی هستند.

۵- بین دو کلمه که ممکن است خواننده ، آن ها را با کسره ی اضافه بخواند :

مثال : پدر ، حسن را سرزنش کرد.

۶- به جای مکث کوتاه در جمله : مثال : اگر شب ها همه قدر بودی ، شب قدر بی قدر بودی

دو نقطه : ( : )

۱- قبل از نقل قول : مثال : صاحب نظران آموزشی می گویند : شرط درست نوشتن ، درست

فهمیدن است.

۲- هنگام برشمردن اجزای یک چیز :

مثال : آثار جلال آل احمد عبارت اند از : خسی در میقات ، مدیر مدرسه ، سه تار و ...

۳- جلوی کلماتی که می خواهیم آن ها را معنی کنیم : مثال : نغز : دل کش

علامت سؤال : ( ؟ )

۱- در پایان جمله های پرسشی : مثال : آیا تاکنون کتاب گلستان سعدی را خوانده ای ؟

۲- برای نشان دادن مفهوم تردید یا استهزاء : مثال : او نابغه ( ؟ ) است .

---

علامت تعجب یا خطاب : ( ! )

۱- در پایان جمله ی تعجّبی ، تأکیدی ، عاطفی : مثال : عجب روزگاری است!

۲- پس از اصوات : مثال : هان ! ای دل عبرت بین

---

گیومه : ( « » )

۱- سخنی که به طور مستقیم از جایی یا کسی نقل می شود :

مثال : پیامبر فرمودند : (( طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است )) .

۲- اسامی و عناوین و اصطلاحات علمی یا فنی ( فقط بار اول )

مثال : (( صور خیال )) از اجزای اصلی شعر است .

---

نقطه ویرگول : ( ؛ )

۱- برای جدا کردن جمله هایی که از جهت ساختمانو مفهوم مستقل به نظر می رسند ، ولی در یک عبارت

طولانی ، با یکدیگر بستگی معنایی دارند :

مثال : دانش آموز باید درس بخواند؛ منظم باشد و به سخنان معلّم گوش فرا دهد.

۲- در بیان توضیح و مثال پیش از کلمه های (( مثلا )) ، (( فرضا )) ، (( یعنی )) و ...

مثال : هنگام نگارش باید خوب دید ؛ یعنی ، دقت داشت و هوشیار بود.

## خط فاصله : ( - )

۱- در مکالمه ی بین اشخاص داستان ها یا نمایش نامه ها یا ذکر مکالمات تلفنی ، در ابتدای جمله و از سر

سطر به جای نام گوینده : مثال : - کجا بودی ؟ - کتابخانه - جنگ و صلح تولستوی

۲- هنگامی که دو کلمه بر روی هم دو جنبه ی مختلف از یک منظور را نشان دهند :

مثال : مباحث اجتماعی - روانی گاه بسیار به هم پیوند می خورند.

۳- به معنی (( تا )) و (( به )) برای بیان فواصل زمانی و مکانی : مثال : قطار تهران - مشهد حرکت کرد.

مثال : گروه سنی ۷-۱۳ سال می توانند این کتاب را بخوانند.

۴- برای جدا کردن عبارت معترضه : مثال : حضرت علی - علیه السلام - فرمود ...

۵- هرگاه کلمه ای در آخر سطر ننگجد ، با قرار دادن یک خط فاصله بقیه ی آن را در سطر بعد می نویسیم .

مثال : در نگارش هایی که جنبه ی ادبی دارند استفاده از احساس و عاطفه ، صورخیال ، صمیمیت ، شیوه های مهمّ پرورش مطلب هستند.

---

سه نقطه : (...)

۱- برای نشان دادن جملات و کلمات محذوف :

مثال : کنایه ، استعاره ، مجاز، تشخیص و ... جنبه هایی از صور خیال را تشکیل می دهند.

۲- سخن ناتمام : مثال : شما ... شما ... زبانم لال ...

۳- برای نشان دادن کشش هجا در گفتار : مثال : سقف هر ... ی ریخت . آها ... ی حسین

۴- افتادگی کلمه یا کلماتی از یک نسخه ی خطّی :

مثال : اوّل چیزی که نگاه کنند روز قیامت نماز بود. اگر تمام باشد و به شرط بود بپذیرند و دیگر ... چنان که باشد بپذیرند.

## قلّاب : ( [ ] )

۱ - مطالبی که جزء اصل کلام نباشند : مثال : معلّم : خوشحالم که اعلام کنم کلاس شما بین سایر کلاس های مدرسه بالاترین نمره را کسب کرده است. [ ابراز احساسات دانش آموزان کلاس ]

۲ - در تصحیح متون کلمات الحاقی با توضیحات احتمالی در قلّاب گذاشته می شود :

مثال : گفت : من مردی طرّارم ، [ تو ] این زر به من امانت دادی ...

۳ - دستورهای اجرایی در نمایش نامه ها :

مثال : حسین [ با نیش خند ] فکر می کنید این کار به صلاح شما باشد ؟

---

## کمانک یا پرانتز : ( )

۱ - معنی و معادل یک کلمه : مثال : زندگی نامه ( بیوگرافی ) و حسب حال ( اتوبیوگرافی ) دو حوزه ی مهم هستند.

۲ - توضیح بیشتر : مثال : بنای واقع گرایی ( همان رئالیسم در مکاتب ادبی غربی ) بر حقیقت گویی است .

۳ - ذکر تاریخ ، شهرت ، تخلّص ، نام سابق و ... مثال : ابن سینا ( ۳۷۰ - ۴۲۸ هـ . ) از نوابغ شرق بود.

---

## میمز یا خط مورب : ( / )

۱ - برای جدا کردن روز ، ماه ، سال : مثال : لطفاً در تاریخ ۷۶/۱/۲۴ به مدرسه مراجعه کنید.

۲ - ذکر برای جدا کردن مصرع های یک بیت : آی آدم ها / یک نفر دارد که دست و پای دائم می زند در آب

---

## ستاره : ( \* )

۲ - در آغاز یک سطر به نشانه ی شروع مطلب جدید

۱ - برای توضیح یک کلمه در پاورقی

پیکان: ( ← )

برای نشان دادن نتیجه ی ترکیب چند جزء یا تجزیه ی یک کلمه :

مثال: (( از پا افتادن )) از چند بخش تشکیل شده است ← از حرف اضافه + پا ( اسم ) + افتادن ( مصدر )

کتاب سال اوّل هر جلد  
۲۰۰۰ ریال

ایضا: ( // )

علامت جملات و کلمات مشابه: مثال // // //  
دوم // // //  
۲۵۰۰ ریال // //

مساوی: ( = )

برای نشان دادن تساوی میان دو مطلب: مثال: آمدم که تو را ببینم = برای دیدن تو آمدم

آکلاد یا دو ابرو: ( { } )

ساده }  
مشتق } برای نشان دادن انشعاب:  
مرکب }  
مشتق - }  
مرکب } اسم ها از نظر ساخت چهار دسته اند: